



## هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی

پدیدآورنده (ها) : جناتی، محمد ابراهیم

فلسفه و کلام :: نشریه کیهان اندیشه :: خرداد و تیر ۱۳۷۵ - شماره ۶۶

صفحات : از ۱۰ تا ۲۵

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/26494>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۸/۰۲

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



## مقالات مرتبط

- زنان و تقابل سکولاریسم دولتی و اسلام گرایی رو به رشد در ترکیه
- خطاب شیراک حول الحجاب
- مطالعه عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط با احساس امنیت اجتماعی زنان
- گستره حجاب در قرآن
- ممنوعیت حجاب زنان مسلمان در کشورهای غربی و مغایرت آن با موازین حقوق بشری
- طبلسان لباس رسمی و اشرافی ایرانی
- مقایسه نظام ارزشهای دینی منعکس شده در مطبوعات: قبل و بعد از انقلاب اسلامی
- حجاب نجاتم داد
- نظام اجتماعی و الگوی پوشش
- حجاب و پوشیدگی در شهرسازی ایرانی - اسلامی نمونه پژوهش میدانی: بافت قدیم شهر شیراز
- تبیین پدیده بد پوششی و بدحجابی و ارایه الگوی مناسب انتظامی
- تحقیقی در باب معنای (جلباب) در قرآن کریم

## عناوین مشابه

- هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی
- هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی
- فقه: بررسی هنر و زیبایی از دیدگاه فقهی با شیوه نوین اجتهادی
- هنر و زیبایی از نگاه متفکران
- نقیصه های زیبایی شناختی قرن نوزدهم در هنر ادبی از نگاه نظریه گفت و گو محوری میخائیل باختین
- «هنر موعود» از منظر فقه و مبانی حقوق اسلامی ناظر بر هنرهای تجسمی
- مقایسه ماهیت کارکرد مفید زیبایی در هنر سنتی و مدرن از نگاه کوماراسوامی
- هنر و زیبایی از نگاه شیخ شهاب الدین سهروردی و تاثیر حکمت نور بر هنر اجرای ایرانی
- بررسی مبانی فقهی احوال شخصیه اقلیت های دینی از دیدگاه فقه و حقوق موضوعه
- سیر تحولات و مبانی کیفرزدایی از دیدگاه فقه و حقوق جزایی ایران



# هنر و زیبایی از نگاه مبانی فقه اجتهادی

محمد ابراهیم جناتی

■ تمهید

- ۳- مصادیق هنر.
- ۴- هنرمند چه کسی است.
- ۵- عوامل و عناصری که در شکل بخشیدن به هنر مؤثر است.
- ۶- شرایط هنرمند مطلوب.
- ۷- هنرمند از دیدگاه پیشوایان اسلامی.
- ۸- منشأ زیبایی.
- ۹- هنر و زیبایی از دیدگاه فقه اجتهادی.
- ۱۰- وجوب رعایت حدود اسلامی در بکارگیری هنر.
- ۱۱- هنر وسیله‌ای است برای بهسازی جامعه.
- ۱۲- سوء استفاده از هنر.
- ۱۳- منزلت شاعر و خوانندگان در نزد امامان معصوم علیهم السلام.

هنر، خلاقیت و ابتکار، یک پدیده جهانی و بشری است که در همه ابعاد زندگی او در طول اعصار و در میان همه ملت‌ها و امتهای بوده و خواهد بود و همه در تحسین آن شرکت دارند. همان‌گونه که نمی‌توان ویژگی شعور و درک را در انسانها در بستر زمان نادیده گرفت، از هنر آفرینی و خلاقیت و ابداع نیز به عنوان نماد بشری و زندگی اجتماعی آنان نمی‌توان چشم پوشید.

در هر حال، انسان برای انتقال یافته‌ها و آزمایشها و ذهنیات خویش به هم‌نوعان خود، ناچار است که از وسایل و ابزارهایی استفاده کند. یکی از ابزارهای مهم برای تحقق بخشیدن به این امر، هنر می‌باشد. با درک این معنا، ذهن خلاق و کاوشگر انسان پس از تلاشها و کوششهای

امروز ما در مقطعی از زمان قرار گرفته‌ایم که مردم آگاه و روشن ضمیر کمال اشتیاق را دارند که فرامین و احکام اسلامی را آن‌گونه که از منابع و پایه‌های شناخت نسبت به انواع هنر استفاده می‌شود بفهمند نه آن‌گونه که ذوقها و سلیقه‌های اشخاص و یا عوامل ذهنی و خارجی و یا شیوه‌های احتیاطی در مقام بیان احکام اقتضا می‌کند لذا بر مسئولان است که به این امر توجه داشته باشند و به آن اهمیت دهند.

محورهای مطالب این مقاله، عناوین زیر

می‌باشد:

- ۱- تعریف هنر.
- ۲- برخورداری هنرها از وجه مشترک.

و لذا زبان از بیان و توصیف آن عاجز است.

ه - هنر نردبان اضطراری در آسمان روح می‌باشد.

و - دهان گشایی روح است همانگونه که دهان به آه و نیایش و خمیازه و دشنام و لبخند و... گشوده می‌شود.

ز - کساری است که معنی و ارزش و حتی واقعیت‌هایی را که در اشیا نهفته است می‌نمایاند و گویای آنهاست.

ح - هنر عملی است منبعث از شناخت و آگاهی کامل از امری که ثمره آن زیبایی و جمال است.

ط - مجموعه‌ای از علامتها و رمزها، که زیبایی خاصی را می‌نمایاند.

ی - کاری ظریف و زیبا که از روح پاک و پر احساس و لطیف سرچشمه می‌گیرد.

هیچ یک از این تعاریف را نمی‌توان تعریف منطقی، یعنی جامع و مانع به حساب آورد. مثلاً به عنوان نمونه، از زیبایی که سؤال می‌شود گله‌ها را ارائه می‌دهند و این از مصادیق زیبایی است نه خود زیبایی. در هر حال آنچه می‌توان گفت این است: هنر کیفیتی معنوی است که می‌توان از راه آثار و خواصش آن را شناساند نه از راه ماهیت واقعی آن. به سخن دیگر گوهر هنر، یک حقیقت معنوی است که روح بشر آن را به طور غیر اکتسابی درک می‌کند، ولی نمی‌تواند از آن توضیحی ارائه دهد. بلکه توضیح آن، به ویژگیها و نمودهایی است که به صورت آثار و خواص و کیفیت و کمیت ظاهری آشکار می‌شود. در مورد نمودها و ویژگیهای هنر می‌توان امور زیر را بیان کرد.

هنر ابداع و خلاقیت و ابتکار است، هنر: لطیف ظریف، دقیق و موزون است، هنر روح افزا و روح پرور و تجلی روح آدمی است، هنر کار دل است پیش از آنکه کار مغز آدمی باشد.

مستمر علمی و عملی، شیوه‌های گوناگون و مختلفی را پدید آورده است و به تدریج آنها تکامل و گسترش یافته و از جایگاهی سزاوار برخوردار گشته‌اند.

در عصر کنونی آثار هنری هر ملتی، اعم از: شعر، نقاشی، موسیقی، سینما و... نشان دهنده چگونگی زندگی و تمدن آن ملت به شمار می‌رود. نبوغ هنری، نیرویی است که انسان می‌تواند آن را به سود ملت خویش در بعد مادی و معنوی به کار گیرد و نیز می‌تواند آن را وسیله فساد و ضرر و ویرانگری مردم قرار دهد.

#### ■ ۱ - تعریف هنر

در باره تعریف هنر دو بینش و اعتقاد وجود دارد:

برخی بر این اعتقادند که هنر دارای تعریف نیست؛ زیرا خود، خویش را بسنده است و بدین جهت خود، غایت خویش است، و بینش دیگری بر این است که هنر دارای تعریف است. از نظر ما می‌توان تعریفهای گوناگون و مختلفی را که منبعث از ساختار جامعه و یا جهان‌بینی است در باره هنر ارائه داد. از جمله:

الف - هنر تلاش و کوشش برای پدید آوردن زیبایی است. و این وقتی است که انسان احساساتی را که خود آزمایش کرده به گونه زیبا و جالب و جذاب به دیگران انتقال دهد.

ب - هنر تلاش و کوششی است که انسان برای پدید آوردن گونه‌های لذت بخش به عمل می‌آورد.

ج - هنر کوششی است از انسان برای تصویر تأثرات ناشی از حقایق هستی که در حسن او ایجاد می‌شود؛ تصویری زنده و مؤثر.

د - هنر، تنها زاینده دست نمی‌باشد تا بتوان آن را بیان کرد بلکه اصل آن از اعماق وجود انسان است

#### ۴- هنرمند چه کسی است

عنوان هنرمند بر فردی اطلاق می‌شود که بتواند، زیباییها، کمالها و خوبیهای پنهان را از راه هنر ترسیم نماید. حال چه از راه فیلم، نقاشی، مجسمه‌سازی، و چه از راه شعر، آهنگ، نویسندگی و جز اینها.

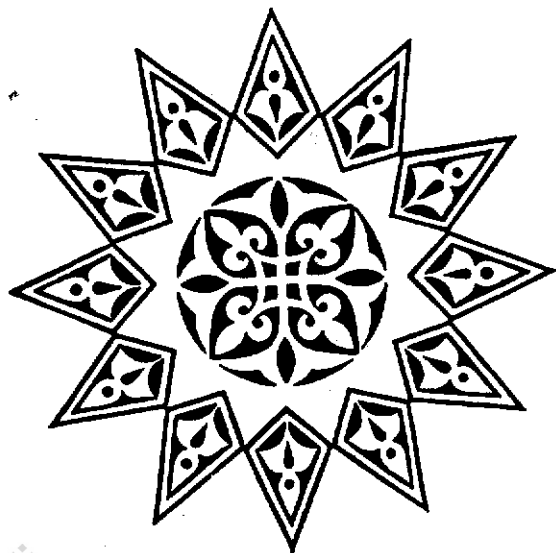
به عنوان نمونه، این شاعر هنرمند است که ویژگیهای پنهان را برجسته ساخته و معانی مکتوم را جانمایه شعر خود قرار داده و با یک جرعه از یک بیت آتشی در دلها شعله‌ور می‌سازد. چنانکه رودکی با چند بیت سلطان سامانی را از خود بی‌قرار ساخته و پا برهنه (بی‌موزه) وی را روانه بخارا می‌کند.

این نویسنده هنرمند است که با قلم خود مفاهیم عالی و مطالب علمی مهم را درون مایه نوشته مختصر خود قرار داده و آنها را به گونه مطلوب، گیرا و جالب و جذاب می‌پردازد و ساخته می‌گرداند و با جمال و کمال به خوانندگان و پژوهندگان عرضه می‌دارد.

این مورخ است که رخدادهای مهم و حوادث جهانی را با قلم زیبا و بیان شیوای خود درخشانده می‌سازد. و به پژوهشگران ارزانی می‌دارد.

این بازیگر صحنه‌های نمایشی است که وی در صحنه بازی حقایق بسیار سازنده و پر فایده‌ای را که پراکنده‌اند آرمان بازی خود قرار می‌دهد و آنها را ترکیب می‌کند و سپس پروراند و تجسم می‌دهد، آنچنانکه تماشاگر را در جریان نمایش، از خود بی‌خود می‌سازد، و در کوتاه‌ترین مدت و با بالاترین کیفیت، پیام نمایش را به اذهان می‌رساند.

این خواننده است که با خواندن چند بیت دارای مضمون پسندیده و محتوای عالی دل‌های کاملاً آزرده را تسلی می‌بخشد، انسانهای پریشان را آسوده خاطر می‌سازد و آدم‌های افسرده را شادمان



#### ۲- برخورداری هنرها از وجه مشترک

اقسام هنر، با همه تنوع و تعددش، همه و همه جلوه‌های هم سنخ و جوشیده از ژرفای اندیشه‌اند. پس همه دارای یک وجه مشترک می‌باشند و در حقیقت انواعی می‌باشند که در تحت یک جنس‌اند، و یا به تعبیر دیگر، اصنافی می‌باشند که تحت یک نوع قرار دارند که آن یک نوع همین‌طور، که در تعریف هنر اشاره شد، عبارت از گوهری معنوی است که فقط روح آزاده بشر، قدرت درک آن را دارد، بی‌آنکه بتواند آن را به‌طور خالص توصیف کند.

#### ۳- مصادیق هنر

مصادیق هنر عبارتند از: موسیقی (خوانندگی، نوازندگی)، شعر، نویسندگی، نقاشی، مجسمه‌سازی، معماری، تئاتر، سینما، خوشنویسی، عکاسی، کارهای دستی ظریف، گرافیک و...

۴- شرایط جغرافیایی نیز در شکل بخشیدن به هنر دارای تأثیر است.

۵- پشته‌های فرهنگی که یک هنرمند به آن تکیه می‌کند.

مثلاً با بررسی آثار حافظ، معلوم می‌شود که وی چگونه از پشته‌های فرهنگی شاعران بزرگ و نامی، امثال مولانا، خواجو و غیره برای غنی ساختن آثار خود بهره گرفته است.

#### ۶- شرایط هنرمند مطلوب

هنرمند مطلوب کسی است که دارای شرایط ذیل باشد:

یک- توانایی بر درک واقعیتها و داشتن اندیشه برتر از آنها.

دو- داشتن استعداد سازندگی (خلاقیت).

سه- داشتن قریحه نمایاندن کامل هنر، از هر نوع که باشد.

چهار- دقت و ظرافت در وقت انجام کار.

پنج- گزیدن و انتخاب نیکو.

شش- توانایی بر هماهنگ کردن خود با محتوا و قالب هنر.

هفت- توانایی بر هماهنگ کردن هنر با ذهنیت انسانها در هر عصر و زمانی.

هشت- نمایاندن خود به گونه طبیعی و عادی.

به عنوان نمونه، اگر برنامه و نمایش، اخلاقی است، باید بازیگر صحنه از یک شخصیت نمایشی و اخلاقی کامل در رفتار و گفتار و کردار برخوردار باشد و از هر گونه حالت تصنعی و ساختگی برکنار بماند تا بتواند روی تماشاچیان تأثیر لازم بگذارد؛ به اصطلاح باید در نقش خود کاملاً غوطه ور باشد.

#### دو مسئولیت برای هنرمند

به قبول اندیشمندی هر هنرمند دارای دو

می‌کند. چون صدای خوش و نیکوی وی، نیروی شنوایی آرزوها در بوستان جان و بهار دل را تحریک می‌کند.

صدای خوش ساس است و دارای موقعیت و بدین جهت تمام پیوندهای جان را به خود متوجه ساخته و در اختیار خود می‌گیرد. نغمه‌ها، آهنگها، و نواهای آرمانی و ملکوتی بخشی از نطق آدمی هستند که در درون او مانده، و چون نطق و زبان انسان توانایی بیرون کشیدن آن را از درون آدمی ندارد به ناگزیر، به واسطه آهنگهای نیکو بر اساس ترجیح، نه تقطیع از درون او بیرون کشیده و اظهار می‌دارند و چون از راه نواها و آهنگهای حلال باقی مانده نطق اشکار گشت، نفس بدان عشق می‌ورزد و جان به طرف او مایل می‌شود. از این روی، انسانها از هر نژاد و ملتی که باشند، از صدای نیکو و زیبا شادمان گشته و آواز خوش را دوست می‌دارند. ولی باید از این وسیله مهم برای صلاح و اصلاح فرد و جامعه کمک گرفت نه برای فساد و افساد.

#### ۵- عواملی که در شک بخشیدن هنر مؤثر است

عوامل و عناصری که در شکل بخشیدن هنر مؤثر است عبارتند از:

۱- با بررسی و مقایسه بین آثار هنرمندان، می‌توان ویژگی هنر را معلوم کرد.

۲- تفاوت جهان بینی هنرمندان را با بررسی آثار آنها می‌توان معلوم کرد. به عنوان نمونه با بررسی آثار رباعیات خیام و آثار مولانا می‌توان به گونه کامل تفاوت جهان بینی این دو شاعر بزرگ را درک کرد.

۳- با بررسی شرایط محیط هنرمند. از نظر فرهنگی، علمی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی در طول تاریخ، نقش آنها در شکل گیری آثار آنها روشن می‌شود.

ایده‌هایی را که خداوند در جهان هستی به ودیعت نهاده است بفهمد و ابعاد آنها را ادراک نماید. بنابراین نباید از این نظریه که هنر، انسانها را به منشأ و سبب اصلی هنرها و زیبایی‌ها (خداوند) نزدیک می‌کند در شگفت شد. هنرمند واقعی و اصلی همان موجودی است که جهان هستی را به سان زیباترین شکل، ساخته و با پراکندن بذر محبت و دوستی خود، فضا، نور، ریتم و... را آفریده است تا مردم به وسیله آنها خودشان را به او نزدیک نمایند.

### ■ ۹- هنر و زیبایی از دیدگاه فقه اجتهادی

در منابع و مبانی فقه اجتهادی زیبایی مطرح شده است. اسلام بر خلاف مکاتب بشری و نیز بر خلاف ادیان تحریف شده که پیروانش سعی و کوشش در محدود کردن قلمرو نظرگاههای دین نسبت به مسایل درونی و شخصی دارند، علاوه بر تعیین وظایف فردی و عبادی و اجتماعی، در باره مقوله هنر و آفرینش زیباییها به وسیله انسان نیز دارای نظر مثبت است، مشروط بر اینکه وسیله انحراف و فساد قرار نگیرد، بلکه وسیله صلاح و اصلاح قرار گیرد در قرآن کریم که نخستین منبع فقهی اجتهادی و پایه شناخت است و نیز در سنت که دومین منبع شناخت معارف است، هنر و زیبایی مورد توجه قرار گرفته است و عالمان اسلامی نیز هر یک به مقتضای شرایط زمان خود، مدارک آنها را در این باره مورد بررسی قرار داده‌اند. خود آنان نیز از ویژگی هنر برخوردار بوده، امروز در حوزه‌های علمیه نیروهای آگاه و ماهر متخصص و با ذوق در این زمینه‌ها وجود دارد.

در هر حال هنر و زیبایی در منابع، مطرح می‌باشد. در باب زیبایی که موضوع هنر است باید گفت زیبایی به طور کلی بر دو نوع است:

مسئولیت است: یکی در برابر خود، یکی در برابر مردم. مسئولیت او در برابر خودش بدین جهت است که از فعل و انفعالات عاطفی و درونی خود الهام می‌گیرد. مسئولیت او در برابر مردم به خاطر این است که از فعل و انفعالات اجتماعی الهام می‌گیرد. پس اگر فیلمهای نمایشی و آهنگها و شعرها و سرودها مفید و آموزنده و جنبه سازندگی نداشته باشند، در برابر آنها مسئول خواهد بود.

### ■ ۷- هنرمند از دیدگاه پیشوایان اسلامی

بر همگان واضح و روشن است که هنر و فن زیور فرد و جامعه است و هنرمندان متعهد و پاینده به اخلاق، از جمله زینت بخشان اجتماع به شمار می‌روند و کارهای هنری آنان از هر نوع که باشد، باعث التذاذ خاطر انسانها می‌شوند و آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

در هر حال در جامعه اسلامی، از زمان رسول (ص) و امامان (علیهم السلام) همواره هنرمندان مورد احترام و تقدیر و تشویق بوده‌اند و لذا هنرمندان چه در زمان تشریح و چه در زمان صحابه و چه در زمان تابعان و چه در زمان پیروان آنها، از منزلت خاص برخوردار بودند و در بخشهای بعدی بیان می‌شود به عقیده من جامعه‌ای که هنرمندان متعهد ندارد، زینت ندارد.

### ■ ۸- منشأ زیبایی

منشأ زیبایی و هر چیز دیگر خداوند است، ولی این را باید دانست که زیبایی‌های جهان هستی را مراتبی است. زیبایی مطلق به خداوند تعلق دارد و جمیل به معنای مطلق از اسماء الهی است، و هیچ چیز خالی از جمال نیست. هنر انسانی در راستای زمان، در صدد است تا در همه جهان به گونه فراگیر،

الف - زیبایی در جهان هستی.

ب - زیبایی که از راه افکار و اندیشه‌های درخشان و متعالی انسانها به نمایش در می‌آید.

در مواردی از آیات کتاب خدا، در تعریف آفرینش سخن از زینت و زیبایی به میان می‌آورد و زیبایی منظره آسمان را به وسیله ستارگان، به مردم گوشزد می‌نماید و به خود نسبت می‌دهد از آن جمله:

انما زینا السماء الدنيا بزينة الكواكب<sup>(۱)</sup> (ما آسمان دنیا را با زینتی آراستیم و زیبا ساختیم که آن زیور عبارت است از ستارگان).

و زيننا السماء الدنيا بمصابيح<sup>(۲)</sup>، (آراستیم آسمان دنیا را به چراغهایی)

ولقد جعلنا في السماء بروجا وزيناها للنظرين<sup>(۳)</sup>، (ما قرار دادیم در آسمان برجهایی و آنها را زیور بخشیدیم برای بینندگان).

خداوند انسان را تشویق به تأمل و تعمق در زیباییهای آفرینش می‌کند و می‌فرماید: اقلم ينظروا الى السماء فوقهم كيف بنيناها وزيناها<sup>(۴)</sup>، (آیا نگریستند به آسمانی که بر فراز آنان قرار دارد که چگونه آن را ساختیم و زینت بخشیدیم؟)

آنچه که از مجموع آیات یاد شده و آیات مشابه آنها به دست می‌آید، این است که ستارگان در کارگاه هستی به مقتضای طبیعتی که خدا در وجود آنها قرار داده است، واقعیاتی می‌باشند که در نقشه هندسه کلی هستی به چشم می‌خورند.

در مواردی از آیات قرآن سخن از زیبایی ترکیب انسان و چهره، به میان می‌آورد از آن جمله: لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم،<sup>(۵)</sup> (ما انسان را در نیکوترین ساختار آفریدیم).

وصوركم فاحسن صوركم ورزقكم من لطيبات،<sup>(۶)</sup> (خداوند شما را صورت بخشید پس نیکو و زیبا صورت داد و روزی کرد شما را از

پاکیزه‌ها).

الذی احسن کل شیء خلقه،<sup>(۷)</sup> (خداوند هر چیزی را نیکو آفرید).

قرآن در تعدادی از آیات سخن از زیبایی مناظر طبیعی روی زمین به میان می‌آورد از آن جمله:

وانزل لكم من السماء ماء فانبثنا به حدائق ذات بهجة ما كان لكم ان تثبتوا شجرها،<sup>(۸)</sup> (برای شما از آسمان آبی فرود آورد و با آن بوستانهایی خرم برویاندیم که رویانیدن درخت آن کار شما نبوده است).

در مبانی فقهی تقوی در این نیست که انسان از زینتها و بهره‌مندیهای مادی گریزان باشد.

در رد کسانی که گمان کرده‌اند، دینداری و تقوا به معنای گریز از همه زینتها و بهره‌وریهای مادی است، در قرآن کریم آمده: «قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده الطيبات من الرزق»<sup>(۹)</sup>

و فرمود: یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد.<sup>(۱۰)</sup>

امام صادق (ع) می‌فرماید: «البس وتجمّل فان الله جميل يحب الجمال ولیکن من حلال»<sup>(۱۱)</sup> یعنی، زیبا و نیکو بپوش و خود را بیارای زیرا خداوند جمیل است و جمال را دوست دارد، ولی مواظب باش از حلال باشد. و فرمود: «ان الله جميل يحب الجمال» خداوند زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد.<sup>(۱۲)</sup>

و از رسول خدا نقل می‌کند که فرمود: «ان من اجمل الجمال الشعر الحسن ونغمة الصوت الحسن». از زیباترین زیباییها موی نیکو و آواز نیکو است.<sup>(۱۳)</sup>

و از او نقل شده که فرمود: «اخذضبوا فانه یزید فی شبابکم وجمالکم»<sup>(۱۴)</sup> خضاب کنید زیرا بر زیبایی و جوانی شما می‌افزاید.

و نیز می‌فرماید: «کان رسول الله ینفق علی



تلاوت کرد: بگو چه کسی زینت خدا و طیبیات از روزی را که برای بندگانش پدید آورد حرام کرده است؟

در روایات بسیار، بر ناخن گرفتن تأکید شده است.

ولی در برخی از آنها آمده است که امام صادق به زنان فرمود:

اترکن من اظافیرکن فانه ازین لکن. (۲۴) مقداری از ناخن‌های خود را بگذارید زیرا برای شما زینت بخش‌تر است. من در این روایت، تبعیضیه است. یعنی خیلی از ته نگیرید.

و در برخی دیگر آمده که به مردان امام فرمود: «قصوا اظافیرکم» (۲۵) همه ناخن‌های خود را بگیرید.

امام علی علیه السلام فرمود: «علیکم بحسن الخط فانه من مفاتیح الرزق» بر شما باد خط زیبا که همانا کلیدهای روزی است. (۲۶)

در روایت دیگر از رسول خدا نقل شد که فرمود: «حسن الخط من مفاتیح الرزق» (۲۷) نیکویی خط از کلیدهای روزی است.

بر خلاف نظر کسانی که فقه اجتهادی را مخالف با انواع هنرها می‌دانند، باید گفت روح دیانت بر زیبایی و ظرافت و آراستگی تکیه دارد.

فقه اجتهادی، مکتب روح و عواطف و احساسات پاک فطری است و قوانین آن با آهنگ موزون فطرت هماهنگ است. باید دانست هستی با همه چهره‌های جذاب و دلپذیر و روح افزا و همه شگفتی و اسرار و همه جلوه‌هایش، آفریده خداوند است و زشت و نساوا نیست. او نیکوترین و شایسته‌ترین و بهترین پدید آورندگان است. (فتبارک الله احسن الخالقین).

خداوند زیبایی را نشانه‌ای از نشانه‌های خود معرفی کرده است.

الطيب اکثر ما ینفق علی الطعام» (۱۵) پیامبر برای خرید عطر، بیش از طعام و غذا هزینه می‌کرد. حضرت برای کسانی که به دیدار او می‌آمدند، خود را مرتب می‌کرد. وقتی عایشه در این جریان تعجب می‌نمود، حضرت به او می‌فرمود: خداوند دوست دارد وقتی مسلمانی به دیدارش می‌رود، خود را بیاراید. (۱۶)

راوی نقل می‌کند که حضرت امام رضا (علیه السلام): «اذا برز للناس تزین لهم» هر گاه در برابر مردمان ظاهر می‌شد خود را می‌آراست. (۱۷)

و فرمود: «الشعر الحسن من کسوة الله فاکرموه» (۱۸) موی زیبا از جمله پوششهای خداوند است، پس آن را گرمی دار. امام صادق (ع) فرمود: «من اتخذ شعراً فلیحسن ولایته او لیجزه»، (۱۹) کسی که مایل است موی بلند داشته باشد باید از آن نیکو مراقبت نماید وگرنه آن را بتراند.

در روایت آمده که ایوب بن هارون از امام صادق پرسید: کان رسول الله یفرق شعره؟ قال لا وکان شعر رسول الله اذا طال، طال الی شحمة اذنیه، (۲۰) آیا رسول خدا موی سر خود را می‌شکافت؟ فرمود: نه؟ موی حضرت هنگامی که بلند می‌شد تا لاله‌های گوش‌هایش می‌آمد.

از رسول خدا روایت شد که فرمود: من امر المشط علی رأسه ولحیته سبع مرات لم یقاربه داء ابدأ. کسی که هفت مرتبه شانه بر سر و صورت خود بکشد هیچگاه دردی به او نمی‌رشد. (۲۱)

در روایتی حکم بن عیینه می‌گوید، (۲۲) ابو جعفر (علیه السلام) را دیدم که ازار قرمز پوشیده است. و می‌گوید: فاحدث النظر الیه، فقال: یا ابا محمد: ان هذا لیس به بأس. ثم تلا: قل من حرم زینة الله التي اخرج لعباده والطیبات من الرزق. (۲۳) نگاه تیز خود را به سوی آن متوجه نموده‌ام. فرمود: ای ابا محمد در آن اشکالی نیست. سپس آیه را

و جذابیت بیشتری برخوردار می‌شوند. هنرمندانی که اینگونه باشند، بی‌شک در راه رشد و تعالی فرهنگ و مبانی جامعه اسلامی گام بر می‌دارند و باید از احترام خاص و ویژه‌ای برخوردار باشند. در این زمینه برای نمونه، ما برخی از روایات حاوی مدح ایشان را در قسمت پنجم بیان نموده‌ایم.

#### دوری از افراط و تفریط در بهره‌وری از مظاهر زندگی

در هر حال بدیهی است که این همه زینت و زیبایی و جلال و جلوه که در عالم ماده مشاهده می‌شود، از یک سوی برای بهره‌وری انسان است و از سوی دیگر مایه هدایت و حق جویی و حق شناسی و نیز آزمایش اوست. زیباییها در جهان و زندگی مادی از یک جهت مایه جذب انسان به سوی منشأ جمال و کمال هستی است و از جهت دیگر ملاک آزمایش و گرایش انسان به زیباییهای معنوی است. این است که در بهره‌وری از مظاهر زندگی نباید راه مستقیم و حد اعتدال را فرو هشت و نباید گرفتار افراط و تفریط شد.

افراط در بهره‌وری از زیباییهای هستی بدان معناست، که آدمی حدود و مقررات الهی را ندیده انگارد و به خواهش دل و هوای نفس، زیباییها را به استخدام رذایل اخلاقی و زشتیها درآورد، و آنچه مایه جذب به سوی پروردگار است، عامل جدایی انسان از یاد خدا شود. تفریط بدان است که چشم فرو بندد و دست بر گوش نهد و زیباییهای آفرینش را نبیند و نشناسد و حلال خدا را حرام پندارد، و تکامل معنوی خویش را در سایه بیزاری و فرار از لطف و رحمت و نعمت و فضل پروردگار بجوید. پس هنرها و زیباییها در همه زمینه‌ها مطلوب بوده و خواهد بود. زیرا هنرها نمایانگر استعداد و نبوغ فوق‌العاده و نمایشگر عشق انسان به امور واقعی است. پس هیچ گاه نباید او را محدود کرد، مگر در

خداوند همه چیز را در نیکوترین شکلش آفریده و زینت و زیبایی و استواری و نظم را نشانه‌ای از نشانه‌های خود معرفی کرده است. با داشتن چنین باوری، هرگز نمی‌توان پذیرفت که اسلام به عنوان یک دین الهی، با همه زیباییها و جلوه‌ها و هنرها و صداهای دلپذیر و روح انگیز هستی به جدال و مبارزه برخاسته و آنها را نکوهیده باشد.

در برخورد با پدیده‌های هنری، زمانی می‌توان امری را منع کرد و حرام دانست که نخست ابعاد آن به گونه کامل درک شوند و سپس منابع شرع دقیقاً مورد بررسی قرار گیرند. در مقام بیان احکام شرعی حلال گفتن در برابر پدیده‌ها، از هر نوع که باشد، آسانتر از حرام گفتن است. زیرا حلال و مباح گفتن با اصول و قواعد اولیه در منابع فقه اجتهادی، مطابقت دارد، نه حرام گفتن. این حرام گفتن است که دلیل می‌خواهد؛ آن هم دلیل معتبر. ولی با کمال تأسف، این قضیه درست بر عکس شده است. امروز حرام گفتن مطابق با اصول تلقی می‌شود، و حلال گفتن بر خلاف اصول. به عقیده من این شیوه اجتهادی نه تنها چهره درخشنده فقه را مکدر می‌کند، بلکه آن را به انزوا می‌کشاند و با روح شریعت سازگار نیست.

#### ۱۰- وجوب رعایت حدود اسلامی در به

##### کارگیری هنر

هنرمند اگر چه در کار هنریش آزاد است و می‌تواند با زبان هنر احساسات خود را ابراز کند، ولی باید سعی و کوشش نماید که حدود اسلامی را در کار هنری خود رعایت نماید. زیرا آنانی که با انشاد شعر، یا خواندن سرود و یا ساختن آهنگهای سازنده و مفید و یا با هنرهای نمایشی خود حدود شرعی و موازین اسلامی را حفظ می‌کنند، از لطافت

بالا گرفت و به شکل بت‌های معروف در آمد و آن را در مقام عبادت شریک خدا قرار داده و می‌پرستیدند. این کار در آن زمان جز فساد و انحراف چیز دیگری نبود. و لذا حکم به تحریم آن شد.

اما امروز، در جمهوری اسلامی ایران که مجسمه‌سازی به عنوان یک فن و هنر گرانقدر در آمده و هیچ‌گونه انگیزه ناپسند در آن نیست، به نظر ما اشکالی ندارد. پس اختلاف در نوع استفاده از آن و تحول ویژگی آن در طول زمان، باعث تحول و تغییر حکم آن شده است.

علاوه بر قانون تحول اجتهاد، می‌توانیم به برخی از اخبار و روایات بر حلال و مباح بودن این هنر تمسک جویم. زیرا از بعضی اخبار استفاده می‌شود، که آن صنعتی حرام است که ممحّض برای فساد باشد و تعلیم و تعلم چنین صنعتی و گرفتن پاداش در برابر آن، حرام است و اما اگر ممحّض برای آن نباشد، بلکه بسته به نوع استفاده، گاهی حلال و وسیله صلاح و گاهی حرام و وسیله فساد باشد، گاهی با آن کمک به حق و گاهی کمک به باطل می‌شود، (مانند اسلحه، کارد و مانند اینها از آلاتی که در وجوه فساد و صلاح و وسیله بودن بر هر یک از آنها قرار می‌گیرد) مانعی از آن صنعت نیست و نیز مانعی از تعلیم و تعلم و گرفتن پاداش در برابر کار آن نیست.

امروز در صنعت مجسمه‌سازی در جمهوری اسلامی ایران، که امکانات صلاح برای مسلمین فراهم شده، هیچگاه این صنعت وسیله برای باطل و فساد که در زمانهای پیشین بود، قرار نمی‌گیرد. بلکه فقط وسیله‌ای است که با آن هنر نمایانده می‌شود و لااقل ممحّض در فساد نیست، پس می‌توان به مباح بودن آن از طریق منابع فقه اجتهادی قائل شد، بدون اینکه نیاز در به کارگیری قانون تحول اجتهاد با

آنجایی که برای جامعه ضرر داشته باشد و افراد را به انحراف و فساد و تباهی بکشاند.

توصیف شدن پیامبران به نیکویی صدا  
از امام صادق (ع) نقل شده است که: «ما بعث الله نبیاً الا حسن الصوت». (۲۸) یعنی هیچ پیامبری را خداوند مبعوث نکرد مگر اینکه خوش صدا بود. در روایت آمده: «ما بعث الله نبیاً الا حسن صوته و حسن صورته» (۲۹) هیچ پیامبری را خدا مبعوث نکرد مگر آنکه صدای او را نیکو و صورت او را زیبا قرار داده است.

### ■ ۱۱ - هنر وسیله است برای بهسازی جامعه

هنر ابزاری است عمومی و جهانی برای بهسازی جامعه و از این نظر همواره مورد توجه فقه اجتهادی بوده و هست. بنابراین، هنر نمی‌تواند به خودی خود هدف باشد و یا وسیله‌ای برای فساد جامعه قرار گیرد. پس هنر از هر نوع که باشد وسیله و ابزار است. هنرمند اگر چه به هنرش خرسند است، لیکن باید بداند که در عین حال وسیله است و نباید آن را ابزاری برای فساد و انحراف فرد و یا جامعه قرار دهد. پس باید برای تبیین حقائق و واقعیات دینی و مذهبی و اخلاقی و اجتماعی و سیاسی از زبان هنر، به خصوص هنر نمایشی استفاده کرد.

ما هر چیزی را که از مصادیق فن و هنر در بستر زمان به حساب آید و وسیله حرام و فساد قرار نگیرد، عمل آن را حرام نمی‌دانیم. حتی اگر در اصل تأسیس و اختراع، وسیله‌ای برای فساد و حرام بوده باشد. به عنوان نمونه در زمانهای پیشین، مجسمه‌سازی حرام بوده، زیرا آن را می‌ساختند و در مکانی خاص که موسوم به محله هیاکل بود، قرار می‌دادند و از آن طلب یاری می‌کردند، کم‌کم این کار

خانواده و مدرسه و دانشگاه است و این مطلبی است که همه آن را به چشم می‌بینیم.

در هر حال خداوند انسان را برای رسیدن به کمال آفریده است و همه مظاهر جهانی را وسیله تکامل و در خدمت او قرار داده است. پس همه هنرها و زیبایی‌ها و جلوه‌های جهان هستی، در حقیقت وسائل و ابزارهایی هستند که انسانها از آنها باید در جهت تعالی و تکامل معنوی و مادی خود استفاده کنند، نه در راه انحطاط و تنزل و انحراف و فرومایگی.

هنر زاده اتحاد و همدستی تنگاتنگ ماده و صورت است. هر اندازه این همگامی و ارتباط بیشتر و پیروی ماده از صورت که به سبب این اتحاد است پر مایه‌تر باشد، هنر کامل‌تر است و بدین جهت بعضی از هنرها که جنبه معنویشان زیاد است از هنرهای دیگر به کمال نزدیکتر هستند.

زیباییهای طبیعی و غریزی که از آن جمله هنر و الحان خوش همراه با موسیقی را می‌توان نام برد، بخشی از همان ابزارها و وسایل است، که مانند بسیاری از مظاهر هستی می‌تواند مورد استفاده صحیح و مفید و سازنده و یا مورد استفاده غلط و نادرست و انحرافی قرار گیرد و این انسان است که با راهنمایی وحی آسمانی و هدایت باطنی عقل، می‌بایست این زیباییها و هنرها را در راه کمال انسانی خویش به خدمت گیرد. یکی از ملاکهای کلی در تعیین راهها و شیوه‌های صحیح بهره‌گیری از جلوه‌های هستی و تمیز آن از گونه‌های غلط و نادرست و ناشایست، تأثیر آنها در رشد یا انحطاط اخلاقی، فکری، روحی، علمی، فرهنگی و معنوی انسان می‌باشد.

انسان به وسیله عقل سلیم (در مستقلات عقلیه) و در مواردی به وسیله شریعت (در غیر مستقلات عقلیه) به راحتی می‌تواند حقیقت فوق را

تحول زمان و رویدادهای آن، برای اثبات حلال بودن آن داشته باشیم. هنرهای دیگر از قبیل تئاتر، سینما، و هر کار نمایشی دیگر در صورتی که باعث فساد و اشاعه فحشاء و رواج فرهنگ مبتذل و بی‌بند و باری شود، مورد مذمت و نکوهش است و اما اگر در راه صلاح و اشاعه فرهنگ معقول قرار گیرند مانعی ندارد.

## ■ ۱۲ - سوء استفاده از هنر

در اینجا باید بگویم با توجه به اینکه هنر نباید هدف باشد و یا وسیله فساد قرار گیرد، باعث تأسف است که عده‌ای هنر را در طول تاریخ بشری به خصوص در اواخر ایام امویان و زمان عباسیان و نیز در این عصر در غرب و شرق وسیله برای دستیابی به مطامع نفسانی خویش قرار داده‌اند و همواره سعی کرده‌اند تا به واسطه آن بر بسیاری از امور زشت و ناپسند و قبیح، پوشش زیبا بپوشانند. گروهی هنر را در خدمت نابودی ارزشهای معنوی و ابتذال کشیده و اصیل‌ترین تجلیات روحی انسانها را به کار گرفتند. پیش از پیدایش نظام اسلامی در ایران سینماها را محل نمایش مبتذل‌ترین فیلم‌ها قرار دادند، تلویزیون را که مهمترین وسیله برای آموزش خانواده‌هاست، به جای وسیله قرار دادن جهت تبلیغ و نشر ارزشهای اخلاقی و آموزشهای عمومی، به کانون ترویج فساد و وسیله تخریب بنیان خانواده‌ها تبدیل نمودند. البته این وضعیت در همه کشورهای جهان به استثناء ایران هنوز با شدت بیشتر ادامه دارد. امروز با توجه به اینکه نظام ما اسلامی است و بزرگترین رسالت، اشاعه فرهنگ اسلامی است، صدا و سیما باید ارائه دهنده فرامین اسلامی در ابعاد گوناگون زندگی باشد و اینها بهترین وسیله‌ای برای تبلیغ فرامین الهی می‌باشند و نقش آنها در امر تعلیم و تربیت بیش از نقش

ابزارها قرار گیرد، زیرا اینها هدف و مقصود اصلی نمی‌باشند؛ بلکه هدف و مقصود اصلی، مضامین پسندیده و آموزنده و سازنده است. در غیر این صورت با هدف اصلی منافات پیدا می‌نماید.

سخن کوتاه اسلام با هنر از هر نوع که باشد نه تنها مخالف نیست، بلکه تأیید هم می‌کند البته در صورتی که دارای شرایط زیر باشد:

۱- کاری که باعث اتلاف وقت و هدر دادن عمر نشود. ۲- باعث فساد و انحراف نگردد ۳- باعث تهییج شهوت و غلبه هوای نفس نباشد ۴- انسان را از یاد خداوند غافل نکند ۵- موجب اعانت به ظلم و ظالم نباشد ۶- موجب آزار دیگران نباشد.

بسی مایه خوشوقتی است که همه می‌بینید که تمام مقوله‌های هنری، جایگاه تازه و نوینی را پیدا کرده و روند عقلایی شدن همه را دربر گرفته است. امروز دیگر هنرها محدود به لهو و کارهای حرام و ناپسند نمی‌شود. مثلاً، موسیقی فقط در مجالس بزم و میگساری و رقص زنان به کار گرفته نمی‌شود، بلکه موارد استفاده معقول و مورد پسند یافته‌اند. امروز از هنرها به عنوان ابزار و سائلی برای ارائه امور مفید استفاده می‌شود. هنرمندان بعد از پدیدار شدن حکومت اسلامی گامهایی در همگام کردن هنر با موازین اسلامی برداشتند و تحول عظیمی در همه انواع آن اعم از فیلم سازی، نقاشی، شعر خوانندگی، نویسندگی و به خصوص در موسیقی غنایی پدید آوردند و کارهای هنری خود را وسیله استفاده صحیح و سازنده قرار دادند، نه وسیله فساد. در نتیجه این تحول باید دیدها و نظرهای مردم نسبت به هنر و هنرمند نیز متحول شود. زیرا تولیدات هنری آنها نیز همگام با موازین اسلامی و آرمانهای انقلاب گردیده است و بسیاری از مفاهیم عالیه اسلامی را در جامعه اشاعه می‌دهند. پس باید از طریق مناسب مورد تشویق قرار گیرند تا در اثر

تمیز دهد؛ منتها در برخی موارد حکمتها و علتها و تأثیرهای واقعی از دسترس اندیشه و علوم بشری خارج است، و انسان به ظاهر، آن را منشأ کمال و خوبی و پیشرفت می‌شناسد، در حالی که شریعت و وحی آسمانی بر اساس واقع‌نگری آن را عامل عقب ماندگی و بدی و انحطاط معرفی می‌کند. پس هنرها و سروده‌ها و شعرها و آهنگها باید به گونه‌ای باشند که بتوانند احساسهای درونی پسندیده و سازنده انسان (مانند امید، ایمان، رحم، محبت، عطوفت، کمک به محرومان و مستضعفان، مقاومت، ایثار و جز اینها را) به تصویر کشند و به آنها تجسم بخشند، تا آثار خوبی برای فرد و جامعه داشته باشند. پس باید هنرمند سعی و کوشش نماید سرودها و شعرهایی که آموزنده و مفید برای فرد و جامعه ارائه دهد. بنابراین، فطرت اصیل و عقل سلیم و پیام شریعت می‌طلبد که هنرمندان و زیبایی‌پردازان و نیکو سرایان و خوش خوانان این وسایل و ابزارها را در خدمت رشد و تکامل روح و فکر و اندیشه و فرهنگ و معنویت جامعه و فرد به کارگیرند و زیبایی را وسیله رساندن پیامهای ارزشمند اخلاقی، عرفانی و انسانی به ژرفای روح بشر تلقی کنند، نه وسیله فساد و گمراهی و انحراف و گذراندن عمر به بیهودگی و بطلان و یا زشتی و پلیدی و نکیبت.

آواز پسندیده و موسیقی و نقش زیبا و خط خوش و هر زیبایی دیگر، اگر خالی از پیام و سازندگی باشد، خود منشأ بطلان و بیهودگی و لهو و لعب و در نهایت انحراف و فرسودگی روح فرد و جامعه است. از این رو یکی از ابزارهای استعمار و استثمار ملت‌هاست. همانگونه که گفتیم، هدف اصلی در نظام آفرینش کمال انسان است، و این کمال، از طریق پیام، به گوش جان انسانها می‌رسد، و این پیامها نباید تحت الشعاع آهنگها و آوازا و وزنها و

تشویق قرار می‌داد و بدین جهت بود که بسیاری از اصحاب و یاران رسول خدا در قصیده سرائی ضرب المثل گشتند.

در غدیر خم، پس از خطبه‌های رسول خدا حسان بن ثابت نخستین ابیات را در ثبت آن واقعه تاریخی سرود و در نتیجه از مجتبه‌های رسول خدا برخوردار شد. شاعران مشهور دیگری که در واقعه غدیر در زمان اصحاب و تابعین شعر سرودند، عبارتند از: قیس بن سعد بن عبادی، عمر و عاص، محمد بن عبدالله حمیری، عبدی کوفی، ابو تمام طائی، و مانند اینها که اشعار آنها را بسیاری از مورخان نقل کرده‌اند بجااست اشاره‌ای به جریان سرودن شعر حسان در باره غدیر خم داشته باشیم.

حسان بن ثابت شاعر رسول خدا، متوفای سال ۴۰ یا ۵۰ یا ۵۴ هجری شاعری بسیار توانا بوده، او در بین شاعران نخستین کسی است که با اجازه رسول خدا، حادثه غدیر خم را به نظم درآورد و نزد حضرت خواند.

بعد از خواندن اشعار غدیر پیامبر مسرور شد و در باره او فرمود: «لا تزال یا حسان، مؤیداً بروح القدس لما نصرتنا بلسانك». ای حسان! پیوسته از ناحیه روح القدس مورد تأیید باشی، تو ما را با زیانت یاری کردی.

شرح این مطلب در الغدیر<sup>(۳۰)</sup> بدین صورت آمده: حسان بن ثابت از رسول خدا استجازه کرد که در باره حادثه غدیر خم ابیاتی را بسراید، حضرت به وی اجازه داد. حسان برخاست و رو به بزرگان قریش کرد و گفت: سختم را با شهادت و گواهی بر پیامبر در ولایت آغاز می‌کنم. سپس گفت:

ینادیهم یوم الغدیر نبیهم  
بخم فاسمع بالنبی منادیاً  
يقول فمن مولاکم وولیکم  
فقالوا ولم یبدوا هناک التعامیا

آن، هر چه بیشتر کارهای هنری خود را دقیق‌تر و مفیدتر انجام دهند. من بارها در مصاحبه‌ها و مقالات گفته‌ام هنرمندان متعهد و پای‌بند به اصول اخلاقی زینت بخش جامعه بوده و هستند. جامعه‌ای که از وجود هنرمند محروم است زینت ندارد، چون هنر و فن زینت فرد و جامعه است. رهبر نواندیش انقلاب برای هنرمندان متعهد اهمیت ویژه‌ای قائلند در این باره فرمودند: اهل هنر از موهبتی خاص برخوردارند که انسانهای معمولی از آن محرومند.

### ۱۳ - منزلت شاعران و خوانندگان در نزد معصومین

پیش از آنکه منزلت شاعران و سرود خوانان را در نزد رسول خدا و امامان (علیهم السلام) بیان کنم مناسب می‌بینم مطلبی را یادآور شوم.

شعر و ادبیات، در هر ملت و قومی، بخشی از فرهنگ آن را تشکیل می‌دهد، از این روی شعر و ادب در زمانهای گذشته و زمان کنونی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تا آنجا که در تکامل اندیشه بشر و پیشرفت فرهنگ و هنر نقشی اساسی را داراست، و از همین زاویه خود تشکیل دهنده گوشه‌ای از تاریخ هم محسوب می‌شود. قرآن در کلامی زیبا، شاعران با ایمان و متعهد را از شاعران غیر اهل ایمان جدا ساخت و این نمایانگر ارزش شعر هدفدار از دیدگاه قرآن است. این منزلت و احترام خاص برای شاعران و هنرمندان متعهد و دین‌دار از زمان رسول خدا(ص) و اصحاب و یاران و تابعین آنها نیز بوده است و در روایات منعکس است.

پیامبر(ص) به شعر عنایتی خاص داشت و همواره شاعرانی را که در تأیید و یاری اسلام و جنبه‌های اخلاقی شعر می‌سرودند، مورد لطف و

ألهك مولانا انت ولينا  
ولم تر منا في الولاية عاصيا  
فقال له قم يا علي فأننى  
رضيتك من بعدى اماماً وهادياً  
ترجمه:

در غدیر خم پیامبر آنان ندا در می‌دهد، گوش فرا دار به پیامبر که ندا می‌کند امت را، پیامبر به صورت پرسش به مردم می‌گوید: ولی و سرپرست شما کیست؟ به او پاسخ داده‌اند، بی‌آنکه هیچ‌گونه پرده پوشی و انکاری از آنان بروز کند که: خدای تو سرپرست ما و تو ولی ما هستی، و تو ای پیامبر نخواهی دید از ما در ولایت گمراه و منحرفی. چون مردم چنین پاسخ گفتند، پیامبر به علی فرمود: برخیز یا علی! پس براستی من تو را پس از خود به عنوان امام و هادی پسندیدم و برگزیدم.

گاهی در سفرهای طولانی حسان را به خدمت خود می‌خواندند و او اشعار خود را برای حضرت می‌خواند. (۳۱)

آری، عنایت رسول خدا در باره شعر و شاعران به قدری بوده است که وقتی کعب بن زهیر قصیده لامیه‌اش را در مسجد در حضور او خواند، حضرت لباسی از برد یمانی به عنوان صله به او مرحمت نمودند که بعدها معاویه آن را به بیست هزار درهم از وی خریداری نمود و خلفا در عید فطر و قربان آن را به تن می‌کردند. (۳۲)

پیامبر به یکی از شاعرانی که مدافع اسلام بود، فرمود: أهج المشركين فان روح القدس معك ما هاجتهم. مشرکان را هجو کن تا زمانی که آنها را هجو نمایی، جبرئیل با توست. (۳۳)

عنایت امامان به شعر

امامان علیهم السلام به شعر عنایتی خاص داشته‌اند و شاعران متعهد و پای‌بند به اخلاق را

مورد لطف و عنایت خود قرار می‌دادند. از این روی بعضی از یاران آنان، در سرودن قصیده‌ها در زمان خود معروف شدند. مانند: کمیت بن زیاد اسدی، و ابو هارون مکفوف و دعبل خزاعی که به ترتیب مورد تشویق امام زین العابدین (علیه السلام) و امام جعفر صادق و امام رضا (علیهما السلام) قرار گرفتند و این موضوع در تاریخ منعکس است.

بجاست بعضی از آنان را در اینجا یادآور شویم:  
۱- شیخ صدوق در کتاب خویش از ابو هارون مکفوف نقل می‌کند و می‌گوید: روزی بر امام صادق وارد شدم، به من فرمود: «انشدنی فی الحسین»، از حسین برایم بخوان. من اشعاری را به گونه عادی و معمولی شروع به خواندن نمودم. حضرت فرمود: آنگونه بخوان که برای دیگران می‌خوانی. «انشدنی کما تشدون» و من هم آنگونه که می‌خواست خواندم، بعد حضرت فرمود: (زدنی) بیشتر بخوان. (۳۴)

۲- جعفر بن عمان: روزی جعفر بن عمان شاعر خوش صدا بر امام صادق داخل شد. حضرت به او فرمود: «شنیده‌ام که شعرهای خوبی در باره امام حسین داری؟» در پاسخ حضرت عرض کرد: بلی. حضرت فرمود: «از آنها برای ما بخوان» با صدای جالب و لحن دل‌پذیر از آنها خواند. حضرت خیلی خوشش آمد و اشکهایش بر گونه‌های مبارکش جاری شد. سپس حضرت به او فرمود: «بدان، ملائکه مقرب خدا گفته‌های تو را شاهدند و آنان نیز مانند ما گریه کردند و بهشت بر تو واجب است.»

۳- کمیت بن زیاد اسدی، متوفای سال ۱۲۶ هـ یکی از شعرای بزرگ بود و بیشتر قصاید و سرودهای او در مدح و ستایش بنی‌هاشم بود و بدین جهت سرودهای او را «هاشمیات» می‌گویند. او بسیاری از قصیده‌های خود را در مجلس امام زین العابدین (ع) و امام محمدباقر (ع) و امام جعفر

صادق انشاد کرد.

در کتاب شیعه والحاکمون<sup>(۳۵)</sup> نقل شده: کمیت بن زیاد شاعر بزرگ در مدینه مورد احترام خاص امام محمدباقر بود. او زمانی که قصیده‌اش را سرود، امام خوشحال شد و به او فرمود: «اگر مال می‌داشتم هر آینه به تو عطا می‌کردم، ولی من برای تو می‌گویم آنچه را که رسول خدا در باره حسان بن ثابت گفته است، لا زلت مؤیداً بروح القدس مادامت عنا اهل البيت...» کمیت مورد محبت امام صادق نیز بوده است. روزی امام تمام اهل منزلش را جمع کرد و از او خواست که قصیده‌اش را بخواند، او هم امر او را امتثال نمود و هنگامی که به این شعر رسید:

یصیب به الرامون عن قوس غیرهم  
فیا آخراً اسدی له الغی اول

حضرت دستهای خود را به طرف آسمان بلند کرد و گفت: «بار الها کمیت بن زیاد را از آنچه که در پیش انجام داده و آنچه را که بعداً انجام می‌دهد و در آنچه که در پنهان و در آشکار انجام داده، بیامرز خدایا به او آن مقدار بده تا راضی شود.»

۴- دعبیل خزاعی، شاعر اهل بیت متوفای سال ۲۴۶ هـ.ق، او در سال ۱۹۸ برای دیدار حضرت رضا از راه بصره به مرو رفت و در آنجا دو سال ماند و سپس به وطن مراجعت کرد. او در بلد طیب نزدیک اهواز به سال ۲۴۶ به لقاء الله پیوست.

شیخ صدوق در عیون اخبار الرضا، از عبدالسلام بن صالح هروی روایت می‌کند و می‌گوید: روزی دعبیل در مرو بر حضرت رضا داخل شد، به حضرت عرض کرد: من در باره شما اشعاری سروده‌ام، ولی بنا گذاشتم که پیش از شما برای احدی نخوانم. حضرت فرمود: بخوانید. او هم با همان صدای جالب و دلپذیر خود قصیده معروفش را شروع به خواندن نمود.

هنگامی که به این شعر رسید:

اری فیثهم فی غیرهم متقسما  
وایدیهم من فیثهم صفرات

امام گریه کرد و به او فرمود: درست گفته‌ای. دعبیل شاعری بسیار خوشخوان بود و از احترام خاص نزد حضرت رضا برخوردار بود هرگاه در مجلسی که حضرت رضا بود، وارد می‌شد، او را مورد تقدیر و احترام قرار می‌داد و در کنار خود می‌نشاند. و چندین بار او را با دادن هدایا مورد تشویق قرار داد.

۵- ابراهیم بن عباس: در کتاب تاریخ النبیاحه<sup>(۳۶)</sup> نقل کرد که: ابراهیم بن عباس (خوشخوان معروف) روزی بر حضرت رضا داخل شد و قصیده و سروده معروفش را خواند و همه حاضرین در مجلس را تحت تأثیر قرار داد.

عبدالله بن صلت، مورد محبت امام جواد بوده است. روزی به او فرمود: در باره وی و پدر بزرگوارش امام هشتم شعر بخواند.

اشعار شاعران یاد شده از نظر الفاظ، زیبا و از نظر محتوا، عالی و هم از نظر مضمون لطیف بوده است و اگر شعری دارای ویژگیهای مذکور باشد، به اعماق دل انسانها نفوذ می‌کند. حال اگر شعری دارای ویژگیهای مذکور نباشد، یا دارای الفاظ زیبا ولی دارای محتوای فاسد باشد، آن اشعار مفید نبوده و در دلها جایگاهی نخواهد داشت.

در عیون اخبار الرضا<sup>(۳۷)</sup> از امام صادق روایت شده که فرمود: «من قال فینا بیت شعر بنی الله تعالی له بیتاً فی الجنة». و در روایت دیگر فرمود: «ما قال فینا قائل بیت من الشعر حتی یؤید بروح القدس». زمانی که زندگی امامان را مورد بررسی قرار می‌دهیم، می‌بینیم بعضی از آنها خود شعر و یا اشعاری سروده‌اند. چنانکه از حضرت امیر و امام حسین اشعاری نقل کرده‌اند و حتی دیوانی که دارای



پس شاعرانی مورد مذمت و نکوهش آیات هستند که از دسته اولند نه شاعرانی که دسته دوم بشمار می آیند.

در تفسیر الدر المثور<sup>(۳۹)</sup> در این زمینه از سالم براد، روایت شد که هنگامی که آیه و الشعراء يتبعهم الغاوون فرود آمد، عبدالله بن رواحه و کعب بن مالک و حسان بن ثابت در حال گریه خدمت رسول خدا رسیدند و عرض کردند: «یا رسول الله لقد انزل الله هذه الآية وهو يعلم اننا شعراء اهلکنا» (خداوند این آیه را نازل فرمود در حالی که می داند ما شعرا با این آیه نابود می شویم). در این هنگام بود که دنباله آیه «الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات...»<sup>(۴۰)</sup> بر رسول خدا نازل شد و رسول خدا در باره آنها دعا کرد و آیه را برای آنها خواند. خداوند شاعران اهل ایمان و صلاح را در کلام خویش از جرگه دیگران استثناء کرده است. پس در واقع این مذمت از شاعران در آیه شریفه ناظر بر شعر و شاعری دوران جاهلی و هر دوران مشابه دیگر است، نه شعر متعالی که سروده شاعران با ایمانی است که فراوان به یاد خدا هستند. پس از دیدگاه قرآن هر شعر و شاعری متعالی نمی باشد و تنها شاعری ارزش واقعی دارد که خدا باور و نیکوکار باشند و در یاد خدا فزونی دارند.

پس شعر و شاعری فی نفسه از نگاه اسلام مورد مذمت و نکوهش نمی باشد آن شعر و شاعری مورد نکوهش است که باعث ترویج فساد و بردن حیثیت افراد و سبب تأیید ظالمان و مداحی ستمگران و جباران باشد. اما شعری که برای ترویج ارزشهای دینی، مذهبی، اخلاقی، اجتماعی و رثای امامان (علیهم السلام) و اشاعه فرهنگ اسلامی سروده می شود، نه تنها مورد مذمت و نکوهش شرع نیست بلکه شرع به آن اهمیت داده و ارزش بسیاری برای آن قائل شده. در مبانی اسلامی آمده است که برای هر بیتی از آن خانه‌ای در بهشت مقرر گردیده است.

حدود ۱۵۰۰ بیت است به حضرت نسبت داده شده است، ولی این نسبت جای بحث دارد.

### عدم مذمت شاعران مؤمن در قرآن

شعرا اگر چه در قرآن کریم مورد مذمت قرار گرفته‌اند، ولی باید دانست که خداوند در کلامی زیبا و کوتاه شاعران متعهد و مؤمن را از سازندگان اشعاری که غاوون (گمراهان) پیروان آنها هستند، جدا ساخت: والشعراء يتبعهم الغاوون الم تر انهم فی کل واد یهیمون وانهم یقولون مالا یفعلون. الا الذین آمنوا و عملوا الصالحات و ذکروا الله کثیرا...<sup>(۴۱)</sup>

یعنی شاعران را گمراهان پیروی می کنند مگر آنهایی که ایمان آورده و کارهای نیک انجام می دهند. و خداوند را بسیار یاد کنند. این استثناء در آیه مبارکه نشانگر ارزش و اهمیت شاعران با ایمان و دارای عمل صالح می باشند.

توضیح مطلب با ملاحظه و توجه به آیات فوق بدست می آید که خداوند شاعران را به دو دسته تقسیم کرد دسته مورد مذمت و دسته مورد مدح و هر یک از آنها را با اوصاف خاصی مشخص نمود. اوصاف شاعران بد عبارتند از:

- ۱- پیروی گمراهان از آنها «یتبعهم الغاوون».
  - ۲- بی هدف و دارای هیجان «انهم فی کل واد یهیمون».
  - ۳- مطابقت نداشتن عمل آنها با قول آنها.
- اوصاف شاعران خوب عبارتند از:
- ۱- دارای ایمان «الا الذین آمنوا».
  - ۲- دارا بودن اعمال نیک و صالح «و عملوا الصالحات».
  - ۳- همیشه به یاد خدا بودن.
  - ۴- مقاومت در برابر ظلم و ستم و دادخواه مظلومان «وانتصروا من بعد ما ظلموا».

می‌دادند و شاعران را مورد تشویق و در نشر حماسه حق همواره تشجیع می‌کردند. (۴۴)

و بدین جهت بوده است که شیعیان به سرودن شعر روی آوردند و شعرهای گوناگونی در زمینه‌های مختلف سرودند و دیوانهای جالبی تنظیم کردند. برای آگاهی کامل از شعرای شیعه از زمان رسول خدا تا این زمان، می‌توانید به کتاب الذریعه علامه تهرانی و معالم العلماء علامه محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی و غیر اینها مراجعه کنید.

شیخ صدوق از امام صادق نقل کرد که فرمود: «من قال لنا بیت شعر بنی الله له بیتاً فی الجنة» (۴۱)

از او نیز نقل شد که فرمود: «ومن قال فینا قائل بیت شعر حتی یؤید بروح القدس» (۴۲)

امام صادق به شیعیان امر می‌فرمود که به فرزندان‌شان شعر تعلیم دهند: در رجال کشی از امام صادق نقل شد که فرمود: «یا معشر الشیعة علموا اولادکم شعر العبدی فانه علی دین الله» (۴۳) (به فرزندان خود اشعار عبدی را بیاموزید که او بر دین خداست).

در هر حال رسول خدا و امامان به شعر اهمیت

## ● یادداشتها

- ۱- سوره صافات، آیه ۶.
- ۲- سوره فصلت، آیه ۱۲.
- ۳- سوره حجر، آیه ۱۶.
- ۴- سوره ق، آیه ۶.
- ۵- سوره تین، آیه ۴.
- ۶- سوره غافر، آیه ۶۴.
- ۷- سوره سجده، آیه ۷.
- ۸- سوره نمل، آیه ۶۰.
- ۹- سوره اعراف، آیه ۳۲.
- ۱۰- سوره اعراف، آیه ۳۱.
- ۱۱- وسائل، ج ۵، ص ۶، حدیث ۴. چاپ مؤسسه آل‌البیت.
- ۱۲- همان، ص ۵، حدیث ۳.
- ۱۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۱۵.
- ۱۴- مکارم الاخلاق، ص ۸۲.
- ۱۵- همان، ص ۴۳.
- ۱۶- همان، ص ۹۶.
- ۱۷- بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۸۹.
- ۱۸- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۶، حدیث ۳۲۹.
- ۱۹- همان، ص ۷۵، حدیث ۳۲۸.
- ۲۰- مکارم الاخلاق طبرسی، ص ۶۹.
- ۲۱- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۸.
- ۲۲- مکارم الاخلاق، ص ۶۹.
- ۲۳- سوره اعراف، آیه ۳۲.
- ۲۴- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۴، حدیث ۳۱۶.
- ۲۵- همان.
- ۲۶- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۱ و کشف الخفاء و مزیل الالباس، ج ۲، ص ۷۱، حدیث ۱۷۷۵.
- ۲۷- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۱.
- ۲۸- وافی، ص ۲۴۰، جزء ۵، باب ترتیل القرآن وحسن الصوت.
- ۲۹- ذریع الأبرار و نصوص الاخبار زمخشری.
- ۳۰- الغدیر، ج ۱، ص ۱۱.
- ۳۱ و ۳۲- همان، ج ۲، ص ۷.
- ۳۳- دلائل الاعجاز جرجانی، ص ۱۳ و الغدیر، ج ۲، ص ۶.
- ۳۴- ثواب الاعمال صدوق و کامل ابن قولویه، ص ۳۳.
- ۳۵- مراجعه شود به کتاب الشیعه و الحاکمون.
- ۳۶- تاریخ النیاحه، ص ۱۷۰.
- ۳۷- عیون اخبار الرضا، ص ۷۱-۷۰.
- ۳۸- سوره شعراء، آیه ۲۲۴.
- ۳۹- تفسیر الدر المنثور سیوطی در ذیل آیه والشعراء یتبعهم الغاؤون.
- ۴۰- سوره شعراء، آیه ۲۲۴.
- ۴۱ و ۴۲- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۳۱.
- ۴۳- مراجعه شود به رجال کشی.
- ۴۴- مراجعه شود به کتابهایی که در باره شاعران تألیف شده.